



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله:

www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۴۳۷۱

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۵۸۵۰



دانشگاه شهید چمران اهواز


ارزیابی نقش مدیریت ریسک خانوار در رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی با تأکید بر ایران

فرزام سجادیه خواجه‌ئی*، صادق بختیاری**، سارا قبادی***

* دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

** استاد گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

*** استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL: D10, O4, C23
تاریخ دریافت: ۲ اسفند ۱۳۹۸	واژگان کلیدی:
تاریخ بازنگری: ۲۲ مهر ۱۳۹۹	خانوار، مدیریت ریسک، شاخص ترکیبی، رشد اقتصادی،
تاریخ پذیرش: ۲۶ آذر ۱۳۹۹	داده‌های تابلویی پویا
ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:	آدرس پستی:
ایمیل:	ایران، استان اصفهان، اصفهان، خیابان جی شرقی، ارغوانیه، بلوار
Bakhtiari_sadegh@yahoo.com	دانشگاه-۱۳۹۹۹۸۱۵۵۱۱۵۵
0000-0001-6476-8009 	

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منفعی وجود ندارد.

منابع مالی: نویسندگان هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

تجربه کشورها در مسیر دستیابی به رشد اقتصادی، باعث شده است تا مطالعات زیادی ضمن تحلیل نهادها و ساختارهای مربوطه، ارتباط این دسته از عوامل با رشد اقتصادی را مورد ارزیابی قرار دهند. در این بین، مدیریت ریسک به عنوان یک ساختار انگیزشی معرف کیفیت نهادی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجایی که تصمیمات خانوار به عنوان یک نهاد مهم اجتماعی، می‌تواند تأثیرات مهمی بر ابعاد مختلف اقتصادی داشته باشد، مدیریت ریسک در این بخش، از موضوعات قابل طرح در مطالعات رشد اقتصادی خواهد بود. در پژوهش حاضر، ضمن ارائه شاخص ترکیبی مدیریت ریسک خانوار با پیروی از چارچوب ارائه شده توسط فوآ (۲۰۱۴)، تلاش شده است تا با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا طی دوره زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۵)، به بررسی تأثیر مدیریت ریسک خانوار بر رشد اقتصادی منتخبی از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی پرداخته شود. به این منظور چهار بخش شامل دسترسی خانوار به منابع مالی با تأکید بر اعتبارات داخلی اعطاء شده به بخش خصوصی، حمایت اجتماعی با تأکید بر آزادی کار، سرمایه انسانی با تأکید بر متغیرهای متوسط سال‌های تحصیل و نرخ واکسیناسیون سرخک و توانایی دولت در اداره امور و ایجاد تسهیلات با تأکید بر متغیرهای بدهی‌های دولتی و تضمین‌شده توسط دولت و دسترسی به امکانات بهداشتی پیشرفته در نظر گرفته شد. در نهایت با بهره‌گیری از روش داده‌های تابلویی پویا به ارزیابی تأثیر مدیریت ریسک خانوار، خوداشتغالی، تورم و نرخ رشد جمعیت بر رشد اقتصادی پرداخته شده است. نتایج حاکی از تأثیر مثبت مدیریت ریسک خانوار، خوداشتغالی، انباشت سرمایه ناخالص و بهره‌وری نیروی کار و از طرفی تأثیر منفی نرخ رشد جمعیت و تورم بر رشد اقتصادی بوده است. افزایش دسترسی خانوار به اعتبارات از طریق افزایش بهره‌وری نیروی کار؛ بهبود حمایت‌های اجتماعی در قالب آزادی کار از طریق افزایش سازگاری عرضه و تقاضای نیروی کار؛ تقویت سرمایه انسانی از طریق افزایش قدرت تولیدی و در نهایت بهبود توانایی دولت در اداره امور و ایجاد تسهیلات نیز از طریق بهبود وضع معیشتی خانوار، به عنوان پیامدهای مثبت مدیریت ریسک خانوار، افزایش رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت. در این بین مقابله با بیکاری، افزایش رقابت و رونق کارآفرینی نیز می‌تواند از پیامدهای مثبت خوداشتغالی در جهت افزایش رشد اقتصادی محسوب شود. از طرفی افزایش تورم با کاهش در قدرت خرید، عرضه نیروی کار و سرمایه‌گذاری می‌تواند موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم نماید. وجود محدودیت منابع، ناکافی بودن زیرساخت‌ها نیز می‌تواند منجر به تأثیر منفی نرخ رشد جمعیت بر رشد اقتصادی گردد.

ارجاع به مقاله:

سجادیه خواجوی، فرزام، بختیاری، صادق و قبادی، سارا. (۱۴۰۱). ارزیابی نقش مدیریت ریسک خانوار در رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی با تأکید بر ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۱۹(۳)، ۹۳-۱۲۴.

doi:10.22055/JQE.2020.32698.2219



© 2022 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

۱- مقدمه

دستیابی به رشد اقتصادی، همواره از مهمترین اهداف برنامه‌ریزان اقتصادی در کشورهای مختلف جهان بوده است. از این رو شناخت عوامل مؤثر و جهت تأثیرگذاری آن‌ها بر رشد اقتصادی، می‌تواند برنامه‌ریزان اقتصادی را در طراحی برنامه‌های بلندمدت منتهی به رشد یاری رساند. از شرایط لازم برای حرکت در مسیر طبیعی رشد، مقاوم بودن اقتصاد در برابر بحران‌ها است. افزایش مقاومت اقتصاد و کاهش آسیب‌پذیری، نیازمند یک مدیریت ریسک یکپارچه با در نظر گرفتن بخش‌های اصلی جامعه می‌باشد، چرا که با کاهش تعداد و شدت ریسک‌های احتمالی در آینده، می‌توان با سرعت بیشتری اهداف مهم جامعه همچون دستیابی به رشد اقتصادی را دنبال نمود، از این رو مقوله مدیریت ریسک در اقتصاد یکی از محوری‌ترین مباحثی است که امروزه توجه اقتصاددانان را به خود جلب نموده است.

تجربه کشورها در مسیر رشد اقتصادی، باعث شد تا اهمیت برخی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، بیش از پیش آشکار گردد و همین امر باعث شکل‌گیری تئوری‌های جدید رشد از جمله تئوری رشد نهادی گردید. به بیانی دیگر با عنایت به اهمیت رشد اقتصادی، عوامل مؤثر بر رشد در مکاتب مختلف مورد توجه بوده است. در این میان ظهور موفقیت‌آمیز اقتصاد نهادگرایی جدید در دهه ۹۰ و توجه بیشتر محافل علمی به مباحث نهادی، رفع موانع نهادی به منظور تسریع در رشد اقتصادی را مورد تأکید قرار داد (Jani, S (2020)). یکی از مهمترین ابعاد ساختارهای نهادی که مطالعات رو به رشدی پیرامون آن در حال شکل‌گیری است، ساختارهای انگیزشی مبتنی بر کاهش ریسک می‌باشد. برنامه‌ریزی به منظور کاهش و مدیریت ریسک به ویژه در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که ریسک در این گونه از کشورها، یک پدیده فراگیر است. فراگیر بودن ریسک، می‌تواند خانوار را به عنوان یک نهاد مهم اجتماعی، با شوک‌های منفی بسیار شدیدی مواجه سازد. فقدان برنامه‌ریزی به منظور مدیریت چنین ریسک‌هایی، می‌تواند منجر به ایجاد پیامدهای منفی بسیار شدیدی گردد که در نهایت بحران‌هایی بزرگ، با نتایج غیرقابل پیش‌بینی را به همراه خواهد داشت (Foa, R. (2014)).

مدیریت ریسک خانوار^۱ از طریق تقویت اهرم‌های درونی و بیرونی می‌تواند به توانمندسازی خانوار برای برخورد با شوک‌های موجود و عبور آسان‌تر از بحران‌ها یاری رساند. دسترسی خانوار به منابع مالی^۲، تقویت سرمایه انسانی^۳، برخورداری از حمایت اجتماعی^۴ و ظرفیت دولت^۵ در ارائه خدمات و ایجاد تسهیلات، از مهمترین اهرم‌ها در بهبود توان مدیریتی خانوار در مواجهه با ریسک‌های موجود می‌باشد. افزایش دسترسی خانوار به منابع مالی، دریافت حمایت‌های اجتماعی بیشتر و همچنین بهره‌مندی بیشتر از خدمات و تسهیلات ارائه شده از سوی دولت، می‌تواند قدرت سرمایه‌گذاری خانوار بر آموزش و سلامت فرزندان را ارتقاء ببخشد و در نتیجه منجر به تقویت سرمایه انسانی، افزایش بهره‌وری و در نتیجه افزایش تولید گردد. از این رو، مدیریت ریسک در خانوار می‌تواند به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی به ویژه در کشورهای در حال توسعه مطرح باشد (Foa, R. (2014). از جمله کشورهای در حال توسعه، می‌توان به کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی با ۵۷ کشور عضو، از چهار قاره جهان اشاره نمود که هدف اصلی آن‌ها همکاری گسترده در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (Bozorgmehri, M., Mohammad khani, A., Nemati, F. (2016).

کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی با وجود برخورداری از منابع اقتصادی گوناگون، از توسعه‌نیافتگی رنج می‌برند. بررسی آمارهای رشد اقتصادی، نشان می‌دهد که متوسط رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ میلادی، به ترتیب ۴/۶ درصد و ۲/۴ درصد بوده است. از دلایل اصلی این موضوع، می‌توان به پایین بودن بازدهی نیروی کار در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی اشاره نمود (Bozorgmehri, M., Mohammad khani, A., Nemati, F. (2016). با توجه به نقش مهم خانوار در تربیت نیروی کار، می‌توان ارتباط معناداری را میان رشد اقتصادی و توان مدیریتی خانوار در مقابله با ریسک در

¹ Household Risk Management

² Household access to finance

³ Human assets

⁴ Social protection assets

⁵ State capacity

کشورهای مورد نظر قائل شد. در واقع، خانوار به عنوان یکی از مهمترین نهادهای تربیتی، ابعاد مختلف رشد نیروی کار مورد، را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این رو می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در پیشرفت اقتصادی فردی و اجتماعی مطرح باشد (Samadi, M., and Rezaei, M. (2011).

از این‌رو، ارائه یک شاخص ترکیبی به منظور سنجش مدیریت ریسک خانوار و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین سوال اصلی در این مطالعه، این است که چه ارتباطی بین مدیریت ریسک خانوار و رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی وجود دارد؟ بر همین اساس در پژوهش حاضر، ضمن ارائه یک شاخص ترکیبی به منظور سنجش مدیریت ریسک خانوار و تحلیل روند تغییرات آن در ایران، تلاش شده است تا با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا و در نظر گرفتن دوره زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۵)، به بررسی تأثیر مدیریت ریسک خانوار بر رشد اقتصادی منتخبی از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی که همگی از کشورهای در حال توسعه نیز می‌باشند، پرداخته شود. در ادامه در بخش دوم از پژوهش، ضمن ارائه مبانی نظری پیرامون موضوع مورد بررسی، به برخی از مهمترین و مرتبط‌ترین مطالعات گذشته نیز اشاره می‌گردد. در بخش سوم، ضمن تدوین یک شاخص ترکیبی برای مدیریت ریسک خانوار، به بررسی روند تغییرات این شاخص در ایران پرداخته می‌شود. در بخش چهارم، پس از ارائه الگوی تحقیق، روش برآورد الگو تصریح می‌گردد و در بخش پنجم به مباحث تکنیکی و تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق پرداخته شده است. سرانجام در بخش ششم، نتیجه گیری و چند پیشنهاد سیاستی بیان می‌شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مروری بر الگوهای رشد اقتصادی با تأکید بر نهادها

مدل هارود-دومار^۶، به عنوان اولین مدل رشد، تلاش نمود تا به منظور تعیین نرخ رشد اقتصادی، اثر سرمایه‌گذاری روی ظرفیت تولیدی را محاسبه نماید. اگرچه بعدها، نادیده گرفتن نقش تکنولوژی، به عنوان عمده ایراد این مدل مطرح شد، اما این مدل نقطه شروع

⁶ Harrod-Domar

بسیار مهمی در شکل‌گیری مدل‌های رشد بعد از خود بوده است به طوری که سولو^۷ در دهه ۱۹۵۰ میلادی تلاش نمود تا از طریق اصلاح مشکلات مدل هارود-دومار، به مدل جامع‌تری دست یابد. سولو با تحلیل رفتار تولید بر اساس متغیرهایی مانند سرمایه فیزیکی و نیروی کار، از رشد فناوری به عنوان موتور رشد اقتصادی یاد نمود (Mousavi, Jahromi, Y. (2009)). با گذشت زمان، برون‌زا بودن رشد تکنولوژی که از نتایج مدل سولو بود، به عنوان انتقاد وارد شده بر این مدل مطرح شد (Taiebnia A., and Nikoonesbati, A. (2013)). مسئله برون‌زایی در مدل رشد سولو، باعث شد تا گروهی از اندیشمندان همچون رومر^۸ (۱۹۸۶) و لوکاس^۹ (۱۹۸۸) با وارد نمودن بحث سرمایه انسانی به ادبیات رشد، به ارائه مدل‌های رشد درون‌زا بپردازند. بر اساس این مدل‌ها، سرمایه انسانی از طریق تقویت نیروی کار و سرمایه فیزیکی، باعث تحریک رشد تولید می‌گردد (Lucas, R. E. (1988)). علیرغم افزایش توضیح‌دهندگی مدل رشد درون‌زا نسبت به مدل‌های گذشته، این مدل نیز قادر به توضیح علت افزایش رفاه جوامع به دنبال اختصاص منابع بیشتر به نوآوری نبود که همین موضوع باعث شد تا نگاه اقتصاددانان به سوی نهادها جلب گردد (Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005)). به عقیده اقتصاددانان نهادگرا، نهادها از عوامل بنیادین در تعیین رشد و توسعه اقتصادی جوامع هستند. بر این اساس تنها با شناخت نهادها است که می‌توان چارچوبی را برای ارائه توصیه‌های سیاستی کم‌خطر با حداقل نتایج منفی، طراحی نمود (Nadiri, M., and Mohammadi, T. (2011)). از نظر نورث^{۱۰} (۱۹۹۰)، نهادها، محدودیت‌های ابداعی بشر هستند که تعامل‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وی را شکل می‌دهند و با ارائه ساختاری برای زندگی روزمره، از عدم اطمینان می‌کاهند (Rizvandi, M A., Sahabi, B., Momeni, F., Yavari, K. (2016)). از مهمترین ویژگی نهادها می‌توان به کاهش عدم اطمینان، ایجاد نظم، پایدارسازی رفتارهای فردی و انباشت دانش اشاره نمود. نورث (۱۹۹۰) معتقد است، افراد به منظور کاهش عدم اطمینان، مجموعه‌ای از دستاوردها را در

⁷ Solow

⁸ Romer

⁹ Lucas

¹⁰ North

زندگی خود به کار می‌گیرند. ایجاد نظم، یکی دیگر از فلسفه‌های وجودی نهادها است که هدف اصلی آن حل مشکلات است. نهادها همچنین ضمن فراهم‌سازی موجبات پایداری و دوام بسیاری از مناسبات اقتصادی و اجتماعی، از طریق ایجاد مجموعه‌ای از رویه‌های منسجم، نقش مهمی در انباشت دانش ایفا می‌نمایند (Mashhadi Ahmad, M. (2013)). نهادها، در طیف مختلفی از مفاهیم اقتصادی متبلور می‌شوند. در این میان مدیریت ریسک با تمرکز بر کاهش عدم اطمینان، یکی از مفاهیمی است که دارای وجوه نهادی است (Kardgar, E., and Ahrari, M. (2015)). محققان بسیاری همچون نورث (۱۹۹۰)، سیدیکی و احمد^{۱۱} (۲۰۱۳)، کاردگر و احراری (۱۳۹۴) و الهی و همکاران (۱۳۹۷)، ابعاد مختلفی از مدیریت ریسک را در قالب اقتصاد نهادی مورد مطالعه قرار داده‌اند. (Siddiqui, D. A., and Ahmed, Q. M. (2013, Kardgar, E., and Ahrari, M. (2015, Elahi, N., Heydari, H., Kiaalhosseini, S., Abolhasani chimeh, M. (2018)

۲-۲- مفهوم مدیریت ریسک خانوار و ارتباط آن با رشد اقتصادی

فرانک اچ. نایت^{۱۲} (۱۹۲۱) در کتاب «ریسک، نااطمینانی و سودآوری»^{۱۳} ریسک را به عنوان وضعیتی تعریف می‌کند که در آن آگاهی کافی نسبت به وقوع اتفاقات آینده وجود ندارد اما احتمال وقوع اتفاقات قابل برآورد است (Woods, M., Linsley, P. (2017)). با ورود مفهوم ریسک به ادبیات اقتصادی، مفهوم جدیدی تحت عنوان مدیریت ریسک شکل گرفت که دربرگیرنده دو مرحله اصلی شامل تجزیه و تحلیل ریسک و برخورد با ریسک می‌باشد. در مرحله تجزیه و تحلیل ریسک، به شناسایی ریسک‌ها، تعیین رویکرد مناسب و مقایسه ارزش‌های ذهنی برآورد شده با نتایج حاصل از تخمین ریسک‌ها پرداخته می‌شود. در مرحله برخورد با ریسک، ضمن تعیین امکان‌پذیر بودن مدیریت آن‌ها، به بررسی قاعده‌مند فرآیند مدیریت ریسک‌ها و همچنین به بررسی مناسب بودن

¹¹ Siddiqui and Ahmed

¹² Frank H. Knight

¹³ Risk, Uncertainty and Profit

مکانیسم‌های کنترلی تعریف شده، پرداخته می‌شود (Ostrowska, M., and Mazur, S. (2015), Bugdol. M., Jedynak. P. (2012)).

با ورود مبحث مدیریت ریسک به ادبیات اقتصادی، طیف رو به رشدی از مطالعات به ارزیابی ریسک و کاهش اثرات آن به وسیله خانوار پرداخته‌اند. اقتصاددانانی همچون آلدرن^{۱۴} و پکسن^{۱۵} (۱۹۹۴)، موردک^{۱۶} (۱۹۹۵)، تانزن^{۱۷} (۱۹۹۵) و فافچمپس^{۱۸} (۱۹۹۹) به ارزیابی الگوی مصرفی خانوار در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. از طرفی دیکان^{۱۹} (۲۰۰۲)، بر محدودیت‌هایی که خانوار در استفاده از استراتژی‌هایشان برای پاسخ و واکنش به شوک‌ها، با آن مواجه هستند، تمرکز نموده است. در اکثر این مطالعات، دو گروه عمده از شوک‌ها شامل شوک‌های فردی^{۲۰} و شوک‌های عمومی^{۲۱} مورد بررسی قرار گرفته شده است. شوک‌های فردی، شوک‌هایی هستند که تنها یک خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهند، در حالی که شوک‌های عمومی، شوک‌هایی هستند که مجموعه‌ای از خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت ریسک خانوار نه تنها به نقش خانوار در محافظت از خود بلکه به مداخله دولت نیز وابسته است چرا که با وقوع شوک‌های عمومی، این دولت است که باید وارد عمل شود. به طور کلی می‌توان مدیریت ریسک خانوار را به عنوان جریانی که در آن ضمن شناسایی مکانیسم‌های محافظت‌کننده، به اقداماتی در جهت افزایش ظرفیت خانوار به منظور پاسخ به شوک‌های خارجی پرداخته می‌شود، تعریف نمود. فوا^{۲۰۱۴} در مطالعه خود تحت عنوان «شاخص آمادگی خانوار در برابر ریسک: ساختار و مؤلفه‌ها» به ارائه یک چارچوب منسجم پیرامون مدیریت ریسک خانوار پرداخته است، وی چهار عامل بنیادین شامل دسترسی به منابع مالی، برخورداری از حمایت اجتماعی، وضعیت سرمایه انسانی و توانایی دولت در اداره امور و ایجاد

¹⁴ Harold Alderman

¹⁵ Christina H. Paxson

¹⁶ Jonathan Morduch

¹⁷ Roberto M. Townsend

¹⁸ Marcel Fafchamps

¹⁹ Stefan Dercon

²⁰ Idiosyncratic

²¹ Common

تسهیلات را به عنوان اجزای مدیریت ریسک خانوار در نظر گرفته است (Foa. R. (2014)).

دسترسی به منابع مالی و اعتباری، از طریق انباشت سرمایه انسانی، به بهبود توزیع درآمد، پیشرفت تکنولوژی و رشد اقتصادی کمک شایانی می‌نماید (Gohari, L., Salimifar, M., Aboutorabi, M A. (2016)). حمایت اجتماعی نیز از طریق افزایش ظرفیت افراد برای محافظت از خود در برابر خسارات ناشی از تغییرات درآمدی، منجر به کاهش فقر می‌شود (Asian Development Bank. (2003)). ارتقاء سرمایه انسانی نیز، از طریق افزایش بهره‌وری، باعث افزایش ظرفیت تولید و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی می‌شود (Sarlak, A., and Hozhabr Kiani, K. (2015)). می‌توان گفت رشد پایدار به موجودی سرمایه انسانی بستگی دارد که آن نیز با بهبود آموزش عالی، سطح سلامتی، یادگیری و تربیت افزایش می‌یابد (Jalili, A., Panahi, H. & Sojoodi, S. (2020)). در این بین دولت‌ها نیز با هدایت مخارج خود به سمت حوزه‌های آموزش، بهداشت و سلامت، زمینه لازم برای رشد اقتصادی را ایجاد می‌نمایند (Atrkar Roshan, S., Noorian, M., Shirin bakhsh masooleh, S. (2016)). با توجه به مبانی موجود پیرامون اثرات مثبت افزایش دسترسی خانوار به منابع مالی، بهبود حمایت‌های اجتماعی، ارتقاء سرمایه انسانی و افزایش توانایی دولت در اداره امور و ایجاد تسهیلات بر رشد اقتصادی، می‌توان ارتباط مثبتی را میان مدیریت ریسک خانوار و رشد اقتصادی در نظر گرفت (Foa. R. (2014)).

۲-۳- بررسی سایر عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی

معمولا در هر یک از تئوری‌های رشد اقتصادی، انتخاب متغیرهای خاصی پیشنهاد می‌گردد، اما در نهایت، انتخاب اکثر متغیرها بر اساس سلیقه محقق می‌باشد، که به این پدیده در تئوری‌های رشد، «باز بی‌انتهای» اطلاق می‌شود (Brock, W., and Durlauf, S. (2001)). از این رو در ادامه، به بررسی ارتباط عواملی همچون خوداشتغالی، تغییرات جمعیت و تورم با رشد اقتصادی، پرداخته می‌شود. خود اشتغالی، در شرایط مساعد اقتصاد کلان از طریق رشد مشاغل جدید و اقدامات نوآورانه و در مواقع وجود بحران از طریق مقابله با بیکاری، ضمن افزایش اعتماد به نفس نیروی کار، به عنوان راهکاری برای کاهش فقر و در نتیجه به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود

(Skalamera-Alilovic, D., Arbula Blecich, A., and Blazekovic K. (2017). تغییرات جمعیت، نیز از دیگر پدیده‌هایی است که می‌تواند بر رشد اقتصادی، تأثیرگذار باشد. مالتوس^{۲۲} (۱۹۹۲)، نشان داد که نرخ نسبی رشد جمعیت، تابعی فزاینده در طول زمان است به طوری که سرعت آن از تولید غذا پیشی می‌گیرد (Ashrafi, A., Yahya (2013). در واقع وی معتقد بود گرایش خانوار به داشتن فرزند بیشتر و به دنبال آن افزایش جمعیت، ناگزیر موجب محدودیت عرضه مواد غذایی، کاهش دسترسی به منابع طبیعی و در نهایت کاهش سطح رفاه می‌شود (Asadzadeh, A., Khodaverdizadeh, S., Beheshti, K., Shomali, A. (2015). دگریگوریو^{۲۳} (۱۹۹۳) نیز با ارائه مدلی که در آن، از پول به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های معاملاتی خانوار استفاده می‌شود، نشان داده است که افزایش تورم با افزایش هزینه‌های معاملاتی، اثرات منفی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهد داشت (Seyed Shokri, KH., and Karkhaneh, A. (2012).

۲-۴- مطالعات پیشین

کسب شناخت از مطالعات انجام شده پیرامون یک موضوع پژوهشی جدید، باعث می‌شود تا محقق قادر شود بر غنای پژوهش خود بیفزاید و به کشف دریچه‌های جدیدی از موضوع مورد نظر نیز بپردازد. از این رو در ادامه تلاش شده است تا به نزدیک‌ترین تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع مورد نظر اشاره شود. ارون و بندیگ^{۲۴} (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ریسک در میان خانوار آسیب‌پذیر: موردی از خدمات مالیه خرد^{۲۵}» با استفاده از داده‌های سال ۲۰۰۸ میلادی و با استفاده از مدل انتخاب ترتیبی^{۲۶} به بررسی نقش خدمات مالیه خرد در مدیریت ریسک خانوار آسیب‌پذیر کشور سریلانکا پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که با افزایش درک خانوار نسبت به ریسک، استفاده آنان از خدمات مالیه خرد افزایش و در نتیجه آسیب‌پذیری آنان کاهش می‌یابد (Arun, T. G., &

²² Malthus

²³ De Gregorio

²⁴ Arun and Bandig

²⁵ Microfinancial services

²⁶ Ordered probit model

مثبت مدیریت ریسک خانوار با رشد تولید ناخالص داخلی سرانه اشاره نمود (Foa. R.) (2014).

رمپینی و ویسواناتان^{۲۹} (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ریسک خانوار»، با مد نظر قرار دادن سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ میلادی و همچنین با بهره‌گیری از یک مدل نئوکلاسیکی با تمرکز بر ابعاد مالی خانوار، به ارائه تحلیلی از مدیریت ریسک خانوار در ایالات متحده آمریکا پرداخته است. نتایج نشان داده است که مدیریت ریسک بهینه در خانوار، مدیریت ریسکی است که با افزایش ثروت خالص و درآمد همراه باشد (Rampini, A. A., & Viswanathan, S. (2016). راتو و همکاران^{۳۰} (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ریسک، تغییر انتظارات و فعالیت‌های خانوار: مفاهیمی از رفاه و سازگاری در مناطق نیمه خشک آفریقا و هند»، با مد نظر قرار دادن سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ و با بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری، به بررسی چگونگی تبعیت مدیریت ریسک خانوار از انتظارات آنان پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که با تغییر در عواملی همچون سن، وضعیت تأهل و تحصیلات، استراتژی‌های اتخاذ شده از سوی خانوار به منظور مدیریت ریسک نیز تغییر می‌کند که از مهمترین آن‌ها می‌توان به مهاجرت، تغییر در شیوه‌های کشاورزی و استفاده از حمایت‌های اجتماعی اشاره نمود (Rao, N., Singh, C., Solomon, D., Camfield, L., Sidiki, R., Angula, M., Poonacha, P., Sidibe, A., and Lawson, E. (2020). بر اساس تحقیقات به عمل آمده، تا زمان نگارش این تحقیق، هیچ مطالعه داخلی که به بررسی تأثیر مدیریت ریسک خانوار بر رشد اقتصادی پرداخته باشد، وجود نداشته است. همچنین علیرغم وجود مطالعات خارجی پیرامون تحلیل‌های مدیریت ریسک خانوار، مطالعه مشخصی که به طور دقیق در قالب مدل‌های اقتصادسنجی به بررسی تأثیر مدیریت ریسک خانوار بر رشد اقتصادی پرداخته باشد نیز وجود نداشته است. از این رو تحقیق حاضر، به لحاظ موضوعی، در سطح داخلی و خارجی دارای نوآوری می‌باشد.

²⁹ Rampini and viswanathan

³⁰ Rao et al.

۳- تدوین شاخص مدیریت ریسک خانوار

در این پژوهش با پیروی از چارچوب ارائه شده توسط فوآ (۲۰۱۴) و به منظور سنجش مدیریت ریسک خانوار در کشورهای مورد مطالعه، چهار بخش اصلی شامل دسترسی خانوار به منابع مالی (اعتبار داخلی اعطاء شده به بخش خصوصی بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی)، حمایت اجتماعی (شاخص آزادی کار^{۳۱} بر حسب درصد)، سرمایه انسانی (متوسط سال‌های تحصیل بر حسب تعداد سال و نرخ واکسیناسیون سرخک بر حسب درصد کودکان ۱۲ تا ۲۳ ماهه) و ظرفیت دولت در اداره امور و ایجاد تسهیلات (بدهی‌های دولتی و تضمین شده توسط دولت بر حسب هزار دلار آمریکا و دسترسی به امکانات بهداشتی پیشرفته بر حسب درصد دسترسی جمعیت) در نظر گرفته شد. در جدول ۱ تعریف متغیرهای مورد نظر ارائه شده است.

جدول ۱. متغیرهای تشکیل‌دهنده شاخص مدیریت ریسک خانوار

مأخذ: بانک جهانی (۲۰۱۹)؛ سازمان هریتیج (۲۰۱۹) و سازمان ملل متحد (۲۰۱۹)

Table 1. Variables constituting the Household Risk Management Index

Source: World Bank (2019), Heritage Foundation (2019) and United Nations (2019)

اعتبار داخلی اعطاء شده به بخش خصوصی	منابع مالی همچون وام، اوراق بهادار غیر سهام، اعتبار تجاری و سایر منابع مالی قابل وصول که توسط مقامات پولی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، مؤسسات قرض‌الحسنه، شرکت‌های بیمه، صندوق بازنشستگی و کارگزاران مبادلات ارزی برای بخش خصوصی فراهم می‌شود را شامل می‌شود.
آزادی کار	یک معیار کمی است که جنبه‌های مختلفی از قوانین و مقررات بازار کار همچون قوانین حداقل دستمزد، ممنوعیت کاهش و تعلیق نیروی کار، الزام کارفرما به پرداخت وجه در صورت اخراج نیروی کار و قوانین مربوط به استخدام و ساعات کاری در کشور را مورد توجه قرار می‌دهد.
متوسط سال‌های تحصیل	تعداد متوسط سال‌هایی است که در آن افراد ۲۵ سال به بالا در یک کشور، تحصیل نموده و یا آموزش دیده‌اند. این تعریف، سال‌های صرف شده برای کسب نمره قبولی مجدد را شامل نمی‌شود.
نرخ واکسیناسیون سرخک	درصدی از کودکان ۱۲ تا ۲۳ ماهه که قبل از سن ۱۲ ماهگی نسبت به سرخک واکسینه شده‌اند را اندازه‌گیری می‌کند.
بدهی‌های دولتی و زیربخش‌های سیاسی دولت و بخش‌های مستقل دولتی می‌باشد. بدهی‌های	بدهی‌های دولتی، شامل بدهی‌های خارجی بخش دولتی از جمله خود دولت، زیربخش‌های سیاسی دولت و بخش‌های مستقل دولتی می‌باشد. بدهی‌های

³¹ Labor freedom

تضمین شده توسط دولت	تضمین شده توسط دولت نیز شامل بدهی‌های خارجی بخش خصوصی است که بازپرداخت آن به وسیله مقامات دولتی تضمین شده است.
امکانات پیشرفته بهداشتی	شامل مسیر خروجی برای فاضلاب، سیستم مناسب به منظور تهیه هوا، کفپوش‌های استاندارد برای توالت و سیستم‌های پیشرفته تجزیه فضولات و تبدیل آن به کمپوست از طریق فرآیند بیولوژیکی، می‌باشد.

داده‌های آماری مربوط به متغیرهای اعتبار داخلی اعطاء شده به بخش خصوصی، نرخ واکسیناسیون سرخک، بدهی‌های دولتی و تضمین شده توسط دولت و دسترسی به امکانات پیشرفته بهداشتی از پایگاه آماری بانک جهانی (۲۰۱۹)، داده‌های آماری مربوط به شاخص آزادی کار از پایگاه آماری سازمان هریتیج^{۳۲} (۲۰۱۹) و داده‌های آماری مربوطه به متغیر متوسط سال‌های تحصیل از پایگاه آماری سازمان ملل متحد^{۳۳} (۲۰۱۹) دریافت شده است. در جدول ۲، آماره‌های توصیفی متغیرهای تشکیل دهنده شاخص مدیریت ریسک خانوار برای هجده کشور منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی شامل ایران، آلبانی، مصر، مالزی، الجزایر، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، کامرون، مراکش، اردن، اندونزی، پاکستان، ترکیه، تونس، گابن، گویان و لبنان در بازه زمانی (۲۰۱۷-۲۰۰۵) ارائه شده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای تشکیل دهنده شاخص مدیریت ریسک خانوار
مأخذ: بانک جهانی (۲۰۱۹)؛ سازمان هریتیج (۲۰۱۹) و سازمان ملل متحد (۲۰۱۹)

Table 2. Descriptive statistics of variables constituting household risk management index

Source: World Bank (2019), Heritage Foundation (2019) and United Nations (2019)

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
اعتبار داخلی اعطاء شده به بخش خصوصی	۶/۳۵	۱۲۵/۰۶	۴۳/۸۹	۲۸/۹۷
آزادی کار	۲۱/۷	۸۸/۹	۵۹/۷۱	۱۴/۲۲
متوسط سال‌های تحصیل	۳/۹	۱۱/۸	۸/۰۶	۲/۰۲
نرخ واکسیناسیون سرخک	۵۵	۹۹	۸۹/۱۶	۲۱/۱۲
بدهی‌های دولتی و تضمین شده توسط	۵۲۰۳۳۴	۱۹۵۶۹۱۴۲۴	۲۵۵۴۷۵۵۰/۰۲	۳۴۷۸۳۳۹۷/۷

³² The Heritage Foundation. (2019)

³³ United Nations Development Programme. (2019)

				دولت
۱۷/۷۹	۸۰/۴۰	۹۸/۶	۳۹/۸	امکانات پیشرفته بهداشتی

پس از جمع‌آوری داده‌ها، علاوه بر هم‌جهت‌سازی متغیرها به لحاظ تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های اصلی، در نهایت به منظور ایجاد قابلیت جمع‌سازی متغیرها، با در نظر گرفتن رابطه (۱)، به استانداردسازی داده‌ها پرداخته شد:

$$\frac{v_i - v_{\min}}{v_{\max} - v_{\min}} \quad (1)$$

که در آن، V_i مقدار متغیر در هر کشور، V_{\max} بالاترین مقدار متغیر در بین کشورها، و V_{\min} کمترین مقدار در بین کشورها می‌باشد. برای هر یک از این متغیرها براساس رابطه زیر عددی بین صفر و یک به دست می‌آید. در ادامه نیز، با وزن‌دهی یکسان^{۳۴} به متغیرهای مورد نظر، فرآیند جمع‌سازی و میانگین‌گیری برای حصول به مقادیر کمی شاخص مدیریت ریسک خانوار انجام شد. جدول ۳ مقادیر میانگین شاخص مدیریت ریسک خانوار برای کشورهای مورد مطالعه در بازه زمانی مورد نظر را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مقادیر میانگین شاخص مدیریت ریسک خانوار
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 3. Average values of Household Risk Management Index

Source: Research calculations

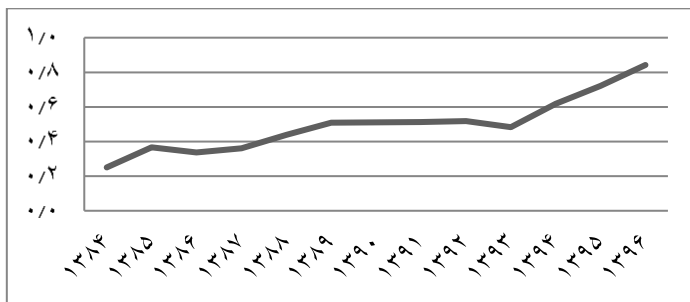
رتبه	کشور	مقدار متوسط شاخص	رتبه	کشور	مقدار متوسط شاخص	رتبه	کشور	مقدار متوسط شاخص
۱	مالزی	۰/۷۳۷	۷	ایران	۰/۵۵۱	۱۳	الجزایر	۰/۴۳۳
۲	قزاقستان	۰/۶۹۱	۸	آذربایجان	۰/۵۳۵	۱۴	مراکش	۰/۳۶۰
۳	اردن	۰/۶۸۷	۹	لبنان	۰/۵۲۴	۱۵	اندونزی	۰/۳۱۸
۴	قرقیزستان	۰/۵۹۶	۱۰	آلبانیا	۰/۵۰۷	۱۶	گابن	۰/۲۶۳
۵	گویان	۰/۵۹۱	۱۱	مصر	۰/۴۵۶	۱۷	کامرون	۰/۲۴۴
۶	تونس	۰/۵۶۸	۱۲	ترکیه	۰/۴۵۱	۱۸	پاکستان	۰/۲۱۱

^{۳۴} انتخاب وزن یکسان برای متغیرهای مورد استفاده، با استناد به تحقیقات فوآ (۲۰۱۴) مبنی بر وزن‌دهی یکسان، صورت گرفته است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، به طور میانگین کشور مالزی با مقدار عددی (۰/۷۳۷) از بالاترین مدیریت ریسک خانوار و کشور پاکستان با مقدار عددی (۰/۲۱۱) از پایین‌ترین مدیریت ریسک خانوار برخوردار بوده است. همچنین کشور ایران با مقدار عددی (۰/۵۵۱) در رتبه هفتم قرار گرفته است. در ادامه روند تغییرات شاخص مورد نظر برای کشور ایران با در نظر گرفتن دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۳۹۶)، به صورت تک کشوری مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳-۲- روند تغییرات شاخص مدیریت ریسک خانوار در ایران

، روند تغییرات شاخص مدیریت ریسک خانوار در ایران را برای دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۳۹۶) نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده، شاخص مربوطه در دوره زمانی مورد نظر، از مقدار عددی (۰/۲۵۰) به مقدار عددی (۰/۸۴۲) افزایش یافته است. به منظور تبیین علل این روند افزایشی، می‌توان تغییرات آماری متغیرهای تشکیل دهنده شاخص مدیریت ریسک خانوار در سال ۱۳۹۶ را در مقایسه با سال ۱۳۸۴، مورد بررسی قرار داد.



نمودار ۱. دامنه تغییرات شاخص مدیریت ریسک خانوار در ایران

مأخذ: محاسبات تحقیق

Figure 1. Variation range of Household Risk Management Index in Iran

Source: Author's Computation

با توجه به مقادیر آماری گزارش شده در جدول ۴، علل روند افزایشی شاخص مدیریت ریسک خانوار در ایران در طول سال‌های (۱۳۸۴-۱۳۹۶) را می‌توان به تغییرات اجزای

تشکیل دهنده این شاخص نسبت داد. جدول ۴، مقادیر آماری اجزای تشکیل دهنده شاخص مدیریت ریسک خانوار در طول سال‌های (۱۳۸۴-۱۳۹۶) را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مقادیر آماری اجزای شاخص مدیریت ریسک خانوار در ایران طی دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۳۹۶) مأخذ: بانک جهانی (۲۰۱۹) و سازمان هریتج (۲۰۱۹)

Table 4. Statistical Values of Components of Household Risk Management Index in Iran
Source: World Bank (2019) and Heritage Foundation (2019)

سال	مقادیر آماری اجزای تشکیل دهنده شاخص مدیریت ریسک						مقدار آماری شاخص مدیریت ریسک
	دسترسی به منابع مالی	حمایت اجتماعی	سرمایه انسانی		ظرفیت دوات در ایجاد تسهیلات		
			متوسط سال‌های تحصیل	نرخ واکسینا سیون سرخک	بدهی‌های دولتی و تضمین شده توسط دولت	دسترسی به امکانات پیشرفته بهداشتی	
۱۳۸۴	۳۸/۳۴	۷۶/۴	۷	۹۴	۱۰۳۵۸۷۰۱	۸۳/۸	۰/۲۵۰
۱۳۸۵	۴۴/۷۹	۵۳	۹/۱	۹۹	۱۱۰۲۷۰۷۱	۸۴/۸	۰/۳۶۶
۱۳۸۶	۴۷/۰۴	۵۲/۵	۸/۹	۹۷	۱۰۵۵۷۳۹۱	۸۵/۷	۰/۳۳۷
۱۳۸۷	۴۵/۳۱	۵۳/۱	۸/۶	۹۸	۹۰۵۱۷۳۵	۸۶/۷	۰/۳۶۱
۱۳۸۸	۴۹/۲۱	۵۲/۴	۸/۸	۹۹	۷۵۸۷۳۶۲	۸۷/۶	۰/۴۳۷
۱۳۸۹	۵۲/۰۲	۵۵/۱	۹	۹۹	۵۹۵۹۵۶۸	۸۸/۶	۰/۵۰۸
۱۳۹۰	۵۳/۰۹	۵۰/۷	۹/۲	۹۹	۴۷۵۰۸۹۸	۸۹/۳	۰/۵۱۰
۱۳۹۱	۵۳/۳۵	۵۱/۵	۹/۵	۹۸	۴۳۳۷۲۳۷	۸۹/۶	۰/۵۱۳
۱۳۹۲	۴۷/۷۴	۵۵	۹/۸	۹۸	۴۰۲۰۴۴۶	۸۹/۹	۰/۵۱۸
۱۳۹۳	۵۲/۱۱	۴۱/۷	۹/۸	۹۹	۳۲۶۰۱۴۲	۸۹/۹	۰/۴۸۳
۱۳۹۴	۵۹/۷۷	۵۱/۳	۹/۸	۹۹	۲۳۲۶۴۴۶	۹۰	۰/۶۱۷
۱۳۹۵	۶۶/۰۶	۴۹	۹/۸	۹۹	۶۶۷۱۷۸	۹۰/۱	۰/۷۲۱
۱۳۹۶	۷۳	۵۴/۵	۹/۸	۹۹	۵۲۰۳۳۳	۹۰/۲	۰/۸۴۲

مطابق با اطلاعات آماری ارائه شده در جدول ۴، کاهش ۹۴/۹ درصدی بدهی‌های دولتی و تضمین شده توسط دولت، افزایش ۹۰/۴ درصدی اعتبارات داخلی اعطاء شده به بخش

خصوصی و افزایش ۴۰ درصدی متوسط سال‌های تحصیل در سال ۱۳۹۶ در مقایسه با سال ۱۳۸۴، به ترتیب، بیشترین تأثیر را در بهبود مدیریت ریسک خانوار در ایران داشته‌اند. در ادامه به ارائه الگوی پژوهش و معرفی روش برآورد الگو پرداخته می‌شود.

۴- الگوی تحقیق و روش برآورد

به منظور تأمین هدف نهایی پژوهش مبنی بر بررسی تأثیر مدیریت ریسک خانوار بر رشد اقتصادی در قالب مدل رشد نهادی، هجده کشور عضو سازمان همکاری اسلامی به عنوان قلمرو مکانی و ۱۳ سال شامل سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ میلادی به عنوان قلمرو زمانی در نظر گرفته شد. عضویت در سازمان همکاری اسلامی، شباهت در مقدار درآمد، شباهت در شاخص توسعه انسانی، شباهت در شاخص سهولت کسب‌وکار و شباهت در شاخص درستکاری دولت^{۳۵} از معیارهای انتخاب کشورهای مورد مطالعه بوده است. در نهایت به منظور طراحی الگوی پژوهش از مدل معرفی شده توسط سیدیکی و احمد (۲۰۱۳) مبنی بر تأثیرگذاری فناوری کاهش ریسک (به عنوان یک فناوری نهادی) بر رشد اقتصادی در قالب روش داده‌های تابلویی پویا، به عنوان مدل پایه استفاده شد. فرم کلی الگوی مورد استفاده به صورت زیر می‌باشد:

$$y_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 y_{it-1} + \alpha_2 I_{it} + \alpha_3 X_{it} + v_{it} \quad (2)$$

به طوری که در آن y معرف رشد اقتصادی، I نمایانگر متغیر نهادی، X نشانگر متغیرهای کنترل و توضیحی تأثیرگذار بر متغیر وابسته، α ضرایب معادله و v جمله اختلال می‌باشد. در پژوهش حاضر ضمن در نظر گرفتن رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر وابسته، از شاخص مدیریت ریسک خانوار به عنوان یک ساختار انگیزشی معرف کیفیت نهادی و از متغیرهای خوداشتغالی^{۳۶}، نرخ رشد جمعیت، تورم، انباشت سرمایه ناخالص و بهره‌وری

^{۳۵} درستکاری دولت در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد مردم به سیاستمداران، عدم وجود رشوه و پرداخت‌های غیرقانونی، شفافیت در سیاست‌گذاری‌های دولت، عدم وجود فساد و شفافیت در خدمات دولتی است. پایین بودن درجه درستکاری دولت از طریق افزایش هزینه‌ها و همچنین انتقال منابع به فعالیت‌های غیر مولد، باعث کاهش پویایی مطلوب اقتصاد خواهد شد.

^{۳۶} Self-employment

نیروی کار که تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی در مطالعات مختلف به اثبات رسیده است، به عنوان سایر متغیرهای توضیحی استفاده شده است. اتخاذ استراتژی‌های مدیریت ریسک در سطوح خانوار، با تأثیرگذاری مهم بر متغیرهایی همچون درآمد، بهره‌وری کار، دارایی، امنیت غذایی، تحصیلات و سلامت، شرایط رو به رشدی را برای آنان و در نتیجه برای اقتصاد، ایجاد می‌نماید (Rao, N., Singh, C., Solomon, D., Camfield, L., Sidiki, (2020), Angula, M., Poonacha, P., Sidibe, A., and Lawson, E. (2020). متغیرهای انباشت سرمایه ناخالص و بهره‌وری نیروی کار نیز به عنوان عوامل اصلی رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود^{۳۷}. بر این اساس الگوی پژوهش به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$GDPG_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 GDPG_{it-1} + \alpha_2 HRM_{it} + \alpha_3 SE_{it} + \alpha_4 POPG_{it} + \alpha_5 INF_{it} + \alpha_6 K_{it} + \alpha_7 LP_{it} + v_{it} \quad (۳)$$

به طوری که $GDPG$: رشد تولید ناخالص داخلی، HRM : شاخص مدیریت ریسک خانوار، SE : خوداشتغالی، $POPG$: نرخ رشد جمعیت، INF : شاخص قیمت مصرف‌کننده، K : انباشت سرمایه ناخالص و LP : بهره‌وری نیروی کار می‌باشد. به منظور جمع‌آوری داده‌های آماری مربوط به متغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی، خوداشتغالی، رشد جمعیت، شاخص قیمت مصرف‌کننده، انباشت سرمایه ناخالص و بهره‌وری نیروی کار از پایگاه بانک جهانی استفاده شده است. در ادامه در جدول ۵، متغیر وابسته و متغیرهای کنترل و توضیحی الگوی پژوهش تعریف شده است.

^{۳۷} به دلیل استفاده از متغیرهای متوسط سال‌های تحصیل و نرخ واکسیناسیون در تدوین شاخص مدیریت ریسک خانوار، عامل سرمایه انسانی در این شاخص لحاظ گردیده است.

جدول ۵. تعریف متغیرهای الگوی پژوهش

* مأخذ: بانک جهانی (۲۰۱۹)، صندوق بین‌المللی پول (۲۰۱۹) و گزارش توسعه جهانی (۲۰۱۴)

Table 5. Definition of research model variables

Source: World Bank (2019), International Monetary Found (2019) and World Development Report (2019)

نماد	متغیر	تعریف
GDPG	رشد تولید ناخالص داخلی (درصد سالانه)	رشد ارزش افزوده ناخالص کل توسط تمام تولیدکننده‌های مقیم کشور به علاوه مالیات بر محصول منهای سوبسیدهایی که در ارزش محصول محاسبه نشده باشد.
HRM	مدیریت ریسک خانوار (رتبه بین صفر و یک)	فرآیندی است که در آن ضمن شناسایی مکانیسم‌های محافظت‌کننده از اعضاء خانوار در برابر شوک‌ها، به اقداماتی در جهت افزایش ظرفیت خانوار به منظور پاسخ به شوک‌ها نیز پرداخته می‌شود.
SE	خوداشتغالی (درصدی از اشتغال کل)	خوداشتغالی حالتی از اشتغال است که در آن نیروهای کار یا برای خودشان کار می‌کنند و یا با یک یا تعداد محدودی شریک در حیطه شغلی مشخصی به مشارکت می‌پردازند. خوداشتغالی دربردارنده چهار حالت اشتغال کارفرمایان ^{۳۸} ، اشتغال مبتنی بر مشارکت و همکاری تعدادی تولیدکننده ^{۳۹} ، اشتغال نیروهای کار خودمختار ^{۴۰} و اشتغال مبتنی بر مشارکت اعضاء خانواده ^{۴۱} می‌باشد.
POPGR	نرخ رشد جمعیت (درصد سالانه)	نرخ رشد جمعیت برای هر سال برابر با نرخ رشد نمایی جمعیت متوسط هر سال در مقایسه با سال گذشته است. در این تعریف، جمعیت افراد در برگیرنده تمامی افراد ساکن در یک کشور صرف نظر از تابعیت آن‌ها می‌باشد.
INF	شاخص قیمت مصرف‌کننده	شاخص قیمت مصرف‌کننده یک شاخص تورم است که تغییرات در هزینه داشتن سبد ثابتی از کالاها و خدمات توسط مصرف‌کنندگان را منعکس می‌کند.

³⁸ Employers

³⁹ Members of producer's cooperatives

⁴⁰ Own-account workers

⁴¹ Contributing family workers

<p>انباشت سرمایه ناخالص یا سرمایه‌گذاری مستقیم ناخالص به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در جهت انباشت دارایی‌های ثابت و تغییرات خالص در موجودی دارایی‌ها اشاره دارد.</p>	<p>انباشت سرمایه ناخالص (بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی)</p>	<p>K</p>
<p>به منظور سنجش بهره‌وری نیروی کار از نسبت تولید ناخالص داخلی به اشتغال کل استفاده می‌گردد.</p>	<p>بهره‌وری نیروی کار (بر حسب قدرت برابری خرید سال ۲۰۱۱ میلادی)</p>	<p>LP</p>

مطابق با مبانی نظری موجود و با توجه به ساختار اقتصادی کشورهای مورد مطالعه انتظار می‌رود که متغیرهای مدیریت ریسک خانوار، خوداشتغالی، انباشت سرمایه ناخالص و بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و متغیرهای نرخ رشد جمعیت و تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی داشته باشند.^{۴۲}

۴-۲- رهیافت داده‌های تابلویی پویا

یکی از مزایای استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا در مقایسه با روش داده‌های تابلویی ایستا، مناسب بودن آن برای برآورد ضرایب مدل در شرایطی است که دوره زمانی مورد مطالعه (T) در مقایسه با تعداد برش واحدهای مقطعی (N) کوچکتر باشد. همچنین استفاده از این روش به دلیل وجود متغیرهای ابزاری، باعث از بین رفتن مشکل درون‌زایی میان متغیرهای توضیحی می‌شود. به منظور بیان جبری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، مدل پویای زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$y_{it} = \alpha y_{it-1} + \beta' X_{it} + \eta_i + \phi_t + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

که در آن y متغیر وابسته، X بردار متغیرهای توضیحی، η بیانگر اثرات ثابت انفرادی یا ثابت کشورها، ϕ اثرات ثابت زمان و ε جمله اخلاص و I و t به ترتیب نشانگر مقاطع و دوره زمانی است. در این شرایط تخمین‌زننده حداقل مربعات معمولی منجر به تورش و ناسازگاری برآوردکننده‌ها شده و لازم است از تخمین‌زننده دیگری مانند روش گشتاورهای

^{۴۲} مطابق با مبانی موجود، انتظار می‌رود افزایش رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، به دلیل وجود محدودیت در منابع، زیرساخت‌ها، امکانات و خدمات، از طریق کاهش سرانه رفاه، رشد اقتصادی آن‌ها را تحت تأثیر منفی قرار دهد.

تعمیم یافته استفاده گردد. این تخمین زنده مبتنی بر استفاده از مقادیر وقفه دار متغیر درون‌زا و یا متغیرهای برون‌زای مدل به عنوان متغیرهای ابزاری می‌باشد. علاوه بر این، در صورتی که η با برخی از متغیرهای توضیحی دارای همبستگی باشد، در آن صورت یکی از روش‌های مناسب به منظور حذف اثرات ثابت و رفع مشکل تورش‌دار بودن تخمین‌زنده‌ها، استفاده از روش تفاضل‌گیری مرتبه اول خواهد بود. در نهایت پس از برآورد ضرایب لازم است تا با استفاده از آزمون‌های سارگن (۱۹۵۸) و خودهمبستگی آرانو و باند (۱۹۹۱)، به ترتیب معتبر بودن متغیرهای ابزاری تعریف شده در مدل و مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال مورد بررسی قرار گیرد. فرضیه صفر آزمون سارگان، حاکی از معتبر بودن متغیرهای ابزاری می‌باشد. بر این اساس، اگر فرضیه صفر رد نشود، در آن صورت متغیر یا متغیرهای ابزاری تعریف‌شده در مدل معتبر می‌باشد. از طرفی فرضیه صفر آزمون خودهمبستگی آرانو و باند حاکی از عدم وجود خود همبستگی مرتبه اول می‌باشد. بر این اساس در صورت رد فرضیه صفر، مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال از مرتبه اول خواهد بود (Arellano, M., & Bond, S. (1991)).

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آزمون‌های تشخیصی الگو

در فرآیند پژوهش به روش داده‌های تابلویی، ابتدا لازم است تا همبسته بودن همزمان پسماندها میان مقاطع مورد آزمون قرار بگیرد. به این منظور از آزمون وابستگی مقطعی پسران^{۴۳} که فرضیه صفر آن، دال بر عدم وجود خودهمبستگی میان مقاطع می‌باشد، استفاده می‌گردد. نتیجه حاصل از انجام این آزمون، انتخاب نوع آزمون مانایی را مشخص می‌نماید. در صورت وجود همبسته بودن پسماندها میان مقاطع، برخی از آزمون‌های مانایی همچون آزمون لوین لین چو^{۴۴} (*LLC*) و پسران شین^{۴۵} (*IPS*)، نتایج کاذبی را به

⁴³ Pesaran's Cross-sectional Dependency (CD) test

⁴⁴ Levin, Lin and Chu

⁴⁵ Im, Pesaran and Shin

همراه خواهد داشت و به همین دلیل از این آزمون‌ها نمی‌توان در جهت بررسی مانایی متغیرها استفاده نمود (Samadi, A H., Abolhasan Beigi, K. (2013).

جدول ۶. آزمون وابستگی مقطعی پسران
مأخذ: محاسبات تحقیق

Tabel 6. PesaranCross Section Dependence Test

Source: Research calculations

سطح احتمال (P-value)	آماره آزمون
۰/۰۰۰	۳/۹۴۳

نتایج بدست آمده در سطح اطمینان ۹۵ درصد، حاکی از همبسته بودن پسماندها میان مقاطع می‌باشد. لذا برای تحقیق حاضر از آزمون مانایی پسران استفاده می‌شود که فرضیه صفر آن دال بر وجود ریشه واحد می‌باشد. در صورتی که مقدار آماره‌ی محاسبه شده بزرگتر از مقدار بحرانی مربوط به سطح اطمینان ۹۵ درصد باشد، فرض مبنی بر نامانایی، رد خواهد شد.

جدول ۷. آزمون مانایی پسران
مأخذ: محاسبات تحقیق

Tabel 7. Pesaran Unit Root Test

Source: Research calculations

نام متغیر	علامت اختصاری متغیر	مقدار آماره آزمون	مقدار آماره محاسبه شده	نتیجه آزمون
مدیریت ریسک خانوار	HRM	-۲/۱۴۲	-۱/۶۵۰	متغیر مانا است. I(0)
رشد تولید ناخالص داخلی	GDPG	-۲/۷۷۵	-۱/۶۵۰	متغیر مانا است. I(0)
خود اشتغالی	SE	-۱/۸۹۸	-۱/۶۵۰	متغیر مانا است. I(0)
نرخ رشد جمعیت	POPGR	-۰/۶۶۶	-۱/۶۵۰	متغیر مانا نیست.
تفاضل نرخ رشد جمعیت	D.POPGR	-۲/۴۹۸	-۱/۶۵۰	متغیر با یک مرتبه تفاضل گیری مانا است. I(1)
شاخص قیمت مصرف کننده	INF	-۰/۳۲۵	-۱/۶۵۰	متغیر مانا نیست.

متغیر با یک مرتبه تفاضل گیری مانا است. I(1)	-۱/۶۵۰	-۳/۵۱۰	D.INF	تفاضل شاخص قیمت مصرف کننده
متغیر مانا نیست.	-۱/۶۵۰	-۰/۷۱۰	K	انباشت سرمایه ناخالص
متغیر با یک مرتبه تفاضل گیری مانا است. I(1)	-۱/۶۵۰	-۲/۰۸۷	D.K	تفاضل انباشت سرمایه ناخالص
متغیر مانا نیست.	-۱/۶۵۰	-۱/۳۶۱	LP	بهره‌وری نیروی کار
متغیر با یک مرتبه تفاضل گیری مانا است. I(1)	-۱/۶۵۰	-۲/۶۹۵	D.LP	تفاضل بهره‌وری نیروی کار

باتوجه به جدول ۷، از آن جایی که متغیرها در سطوح مختلف مانا هستند، لازم است آزمون همجمعی برای بررسی رابطه بلند مدت میان متغیرها نیز بررسی شود. آزمون همجمعی پدرونی^{۴۶} و آزمون همجمعی کائو^{۴۷}، از آزمون هایی هستند که در صورت وجود ترکیبی از متغیرهای مانا و نامانا در مدل، برای بررسی مشکل رگرسیون کاذب مورد استفاده قرار می‌گیرند. در هر دو آزمون، در صورتیکه مقدار آماره محاسبه شده بزرگتر از مقدار بحرانی مربوط به سطح اطمینان ۹۵ درصد باشد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه هم-انباشتگی میان متغیرها رد می‌شود و متغیرها رابطه همجمعی خواهند داشت. نتایج این دو آزمون در جدول ۸ گزارش شده است.

⁴⁶ Pedroni

⁴⁷ Kao

جدول ۸. نتایج آزمون‌های همجمعی
 مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 8. The results of cointegration tests
 Source: Research calculations

نوع آماره	هم انباشتگی تلفیقی	هم انباشتگی تلفیقی گروهی
آماره V تلفیقی	-۴/۰۰۸	-
مقدار احتمال	۱/۰۰۰	-
آماره rho تلفیقی	۴/۳۴۴	۵/۵۸۴
مقدار احتمال	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
آماره PP تلفیقی	-۱۳/۱۴۸	-۱۸/۳۷۴
مقدار احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
آماره ADF تلفیقی	-۵/۸۰۷	-۳/۹۴۰
مقدار احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
آماره آزمون کائو	-۴/۴۲۱	
مقدار احتمال	۰/۰۰۰	

مقادیر آماره دیکی فولر تعمیم‌یافته (*ADF*) و فیلیپس پرون (*PP*) حاصل از آزمون همجمعی پدرونی، در هر دو حالت هم‌انباشتگی تلفیقی و هم‌انباشتگی تلفیقی گروهی، نشان‌دهنده این است که هم‌انباشتگی بین متغیرهای الگو وجود دارد. نتیجه آزمون کائو نیز نتایج آزمون پدرونی را تأیید می‌کند. بر این اساس یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها وجود دارد و رگرسیون برآورد شده کاذب نخواهد بود.

۲-۵- برآورد الگو و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به منظور برآورد الگوی پژوهش از روش داده‌های تابلویی پویای آرلانو و باند (۱۹۹۱) استفاده گردیده است. دلیل انتخاب این روش، بزرگتر بودن تعداد مقاطع نسبت به تعداد سال‌های مورد بررسی، کنترل درون‌زایی متغیرهای توضیحی و رفع مشکل هم‌خطی بوده است. نتایج حاصل از برآورد الگو، در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. نتایج برآورد الگوی پژوهش

مأخذ: محاسبات تحقیق (معنادر در سطح اطمینان ۹۵ درصد)

Table 9. Results of research model estimation

Source: Research calculations

علائم اختصاری عنوان متغیرها	علامت اختصاری متغیر	ضرایب*	Z مقدار آماره	ارزش احتمال
عرض از مبداء	Cons	-۰/۸۱۱	-۴/۷۰	۰/۰۰۰
رشد تولید ناخالص داخلی با یک وقفه	GDPG _{t-1}	۰/۴۲۲	۵/۶۳	۰/۰۰۰
مدیریت ریسک خانوار	HRM	۰/۲۱۵	۲	۰/۰۴۶
خوداشتغالی	SE	۱/۱۳۵	۴/۶۳	۰/۰۰۰
نرخ رشد جمعیت	POPGR	-۰/۱۸۲	-۷/۷۰	۰/۰۰۰
شاخص قیمت مصرف کننده	INF	-۰/۱۲۵	-۱/۹۹	۰/۰۴۷
انباشت سرمایه ناخالص	K	۰/۳۶۸	۲/۶۰	۰/۰۰۹
بهره‌وری نیروی کار	LP	۱/۰۰۸	۴/۱۵	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون سارگان		مقدار آماره χ^2	درجه آزادی	ارزش احتمال
		۱۵/۴۲۴	۱۱	۰/۱۶۳
نتیجه آزمون خودهمبستگی		مرتبه خودهمبستگی	Z مقدار آماره	ارزش احتمال
		اول	-۲/۷۰۰	۰/۰۰۶
		دوم	-۰/۳۹۷	۰/۶۹۰

نتایج حاصل از برآورد الگو، حاکی از معنادر بودن کلیه ضرایب در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده، طی دوره مورد بررسی اثر شاخص مدیریت ریسک خانوار در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب مثبت و معنادر بوده است. بدین صورت که با افزایش یک واحد در شاخص مدیریت ریسک خانوار و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، رشد اقتصادی ۰/۲۱ درصد افزایش می‌یابد.

همچنین طی دوره مورد بررسی تأثیر متغیرهای خود اشتغالی، انباشت سرمایه ناخالص و بهره‌وری نیروی کار در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب مثبت و معنادار بوده است. بدین صورت که با افزایش یک واحد در متغیرهای خود اشتغالی، انباشت سرمایه ناخالص و بهره‌وری نیروی کار، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، رشد اقتصادی به ترتیب $۱/۱۳$ ، $۰/۳۶$ و $۱/۰۰$ واحد افزایش می‌یابد. از سوی دیگر تأثیر متغیرهای نرخ رشد جمعیت و نرخ تورم در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب منفی و معنادار بوده است. بدین صورت که با افزایش یک واحد در نرخ رشد جمعیت و نرخ تورم و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، رشد اقتصادی به ترتیب $۰/۱۸$ و $۰/۱۲$ واحد کاهش می‌یابد. بر این اساس ضرایب به دست‌آمده با انتظارات تئوریک مطابقت دارد. به منظور بررسی معتبر بودن متغیر ابزاری تعریف شده و همچنین تعیین مرتبه خودهمبستگی میان جملات اختلال نیز به ترتیب از آزمون‌های سارگان (۱۹۵۸) و آرانو و باند (۱۹۹۱) استفاده شده است. تحت فرض صفر آزمون سارگان، متغیرهای ابزاری به صورت مجانبی با اجزای خطای الگو همبستگی ندارد. بنابراین در صورت رد فرضیه صفر، متغیر ابزاری تعریف شده، ناکافی و نامناسب می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون سارگان نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر معتبر بودن متغیر ابزاری رد نشده است. بر این اساس، معتبر بودن متغیر نرخ رشد جمعیت به عنوان متغیر ابزاری مورد تأیید می‌باشد^{۴۸}. از طرفی آرانو و باند بیان داشته‌اند که، جملات اختلال باید دارای همبستگی سریالی مرتبه اول (AR1) و فاقد همبستگی سریالی مرتبه دوم (AR2) باشند. نتایج حاصل از آزمون خودهمبستگی آرانو و باند نشان می‌دهد که مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال از مرتبه اول می‌باشد و بنابراین روش آرانو و باند، روش مناسبی برای تخمین و حذف اثرات ثابت بوده است. در ادامه به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه برخی از پیشنهادات سیاستی پرداخته می‌شود.

^{۴۸} استفاده از متغیر نرخ رشد جمعیت به عنوان متغیر ابزاری با استناد به توضیح آرانو و باند (۱۹۹۱)، مبنی بر استفاده مجاز از متغیر یا متغیرهای توضیحی مدل به عنوان متغیر ابزاری می‌باشد. نتیجه آزمون سارگان نیز اعتبار این متغیر را به عنوان ابزار، تأیید نموده است.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش پس از تدوین یک شاخص ترکیبی به منظور سنجش مدیریت ریسک خانوار، با بهره‌گیری از روش داده‌های تابلویی پویا به ارزیابی تأثیر مدیریت ریسک خانوار، خوداشتغالی، تورم و نرخ رشد جمعیت بر رشد اقتصادی منتخبی از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی طی دوره زمانی (۲۰۰۵-۲۰۱۷) پرداخته شده است. بر اساس نتایج به دست آمده به دنبال افزایش یک واحد در متغیر مدیریت ریسک خانوار، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، رشد اقتصادی ۰/۲۱ واحد افزایش می‌یابد. در واقع با توجه به نتایج می‌توان گفت افزایش دسترسی خانوار به اعتبارات از طریق افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت و در نتیجه افزایش بهره‌وری؛ بهبود حمایت‌های اجتماعی در قالب آزادی کار از طریق افزایش سازگاری عرضه و تقاضای نیروی کار و در نتیجه افزایش بهره‌وری؛ تقویت سرمایه انسانی از طریق افزایش قدرت تولیدی و در نهایت بهبود توانایی دولت در اداره امور و ایجاد تسهیلات نیز از طریق بهبود وضع معیشتی خانوار و در نتیجه افزایش رفاه، در مجموع به عنوان پیامدهای مثبت مدیریت ریسک خانوار، افزایش رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت. در این بین مطالعه فوآ (۲۰۱۴) نیز نشان داده است که مدیریت ریسک خانوار با رشد اقتصادی، ارتباط مستقیم دارد. با توجه به نتایج به دنبال افزایش یک واحد در متغیر خود اشتغالی با فرض ثابت بودن سایر شرایط، رشد اقتصادی ۱/۱۳ واحد افزایش می‌یابد. خود اشتغالی به عنوان یک عامل مهم، از طریق مقابله با بیکاری، افزایش رقابت، افزایش فعالیت‌های نوآورانه و رونق کارآفرینی می‌تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی گردد. در این راستا، بشیر و همکاران (۲۰۱۱) به تأثیر مثبت خوداشتغالی بر رشد و توسعه اقتصادی دست یافته‌اند. به دنبال افزایش یک واحد در متغیرهای انباشت سرمایه ناخالص و بهره‌وری نیروی کار، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، رشد اقتصادی به ترتیب ۰/۳۶ و ۱/۰۰ واحد افزایش می‌یابد. از طرفی با افزایش یک واحد در نرخ رشد جمعیت با فرض ثابت بودن سایر شرایط، رشد اقتصادی ۰/۱۸ واحد کاهش می‌یابد. وجود محدودیت منابع، ناکافی بودن زیرساخت‌ها و ضعیف بودن امکانات و خدمات نیز می‌تواند منجر به تأثیر منفی رشد جمعیت بر رشد اقتصادی گردد، این موضوع نیز با نتیجه مطالعه اشرفی و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد. همچنین به دنبال افزایش یک واحد در متغیر شاخص قیمت مصرف‌کننده، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، رشد اقتصادی ۰/۱۲ واحد

کاهش می‌یابد. در واقع می‌توان گفت افزایش تورم با کاهش در قدرت خرید، سطح مصرف، عرضه نیروی کار و سرمایه‌گذاری می‌تواند موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم نمایند. نتیجه مطالعه سیدشکری و کارخانه (۱۳۹۰) نیز، حاکی از تأثیر منفی تورم بر رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی بوده است.

در راستای تأثیرگذاری متغیرهای پژوهش، پیشنهاد می‌شود تا از طریق ایجاد سهولت در دسترسی خانوار به اعتبارات، حمایت از تشکلهای کارگری و تنوع‌بخشیدن به فرصت‌های شغلی، ارتقاء سیستم‌های آموزشی و ارائه وام‌های کمک تحصیلی، تدوین برنامه‌های سلامت همگانی، تنوع‌بخشیدن به منابع درآمدی دولت و بهبود کمی و کیفی امکانات بهداشتی، در جهت تقویت مدیریت ریسک خانوار اقدام شود. تدوین و تصویب قوانین مشخص و کارا در حوزه خوداشتغالی، اعطای وام‌های بلاعوض یا کم‌بهره به منظور راه‌اندازی کسب‌وکارهای مبتنی بر خوداشتغالی، ایجاد شرایط مناسب برای افزایش رقابت‌پذیری و قائل شدن معافیت‌های مالیاتی از سوی دولت می‌تواند منجر به تحریک خوداشتغالی گردد. در این بین برنامه‌ریزی به منظور مدیریت بهینه منابع و افزایش سطح رفاه می‌تواند به برقراری توازن میان رشد جمعیت و رشد اقتصادی کمک نماید. همچنین ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز برای بهره‌مندی از پتانسیل جمعیتی، می‌تواند تا حدودی اثرات منفی رشد جمعیت را خنثی نماید. کاهش تقاضا از طریق افزایش نرخ بهره و مالیات بر درآمد، کنترل عرضه پول، افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و همچنین کنترل دستمزدها نیز می‌تواند به عنوان راهکارهایی در جهت مقابله با تورم، در نظر گرفته شود.

Acknowledgments: Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The authors received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Reference

Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2005). Institutions as a fundamental cause of long-run growth. *Handbook of economic growth*, 1, 385-472.

- Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The review of economic studies*, 58(2), 277-297.
- Arun, T. G., & Bendig, M. (2010). Risk management among the poor: The case of microfinancial services, IZA Discussion papers 5147, Institute of Labor Economics (IZA).
- Asadzadeh, A., Khodaverdizadeh, S., Beheshti, K., Shomali, A. (2015). A Study of the Effect of Population Growth on Per Capita GDP in Iran Using an ARDL Approach. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 4(14), 69-87. https://aes.basu.ac.ir/article_1118.html?lang=en (in persian).
- Ashrafi, A., Yahya Abadi, A., Samadi, S. (2013). Analysis of the effect of population growth and inflation on economic growth in D8 countries. *1th National E-Conference on Future Perspective of Iranian Economy: National Production Supporting Approach*. Isfahan Islamic Azad University. <http://conference.khuisf.ac.ir/Dorsapax/userfiles/file/pazhohesh/eghtesad%20092/NCFPIE121.pdf> (in persian).
- Asian Development Bank. (2003). Social protection: our framework policies and strategies.
- Atrkar Roshan, S., Noorian, M., Shirin bakhsh masooleh, S. (2016). The impact of government social spending on women's economic development (with an emphasis on education and health), in Selected Asian Countries. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(3), 37-60, doi: 10.22051/JWSPS.2016.2556 (in persian).
- Bales, S. (2013). *Impact of health shocks on household welfare in Vietnam-Estimates using fixed effects estimation*. Rotterdam: Erasmus Universiteit.
- Bozorgmehri, M., Mohammad khani, A., Nemati, F. (2016). Divergence in Organization of Islamic Cooperation, the Causes and Roots. *Political Studies of Islamic World*, 5(2), 25-52. https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_920.html?lang=en (in persian).
- Brock, W., and Durlauf, S. N. (2001). Growth empirics and reality. *World Bank Economic Review*, 15: 229-272.
- Bugdol. M., Jedynek. P. (2012). Współczesne systemy zarządzania. Jakość, bezpieczeństwo, ryzyko. Wydawnictwo Helion, Gliwice.
- De Vreyer, P., and Lambert, S. (2014). "Household risk management in Senegal", [Research Report] Univerite Paris-Dauphine, pp.46.
- Elahi, N., Heydari, H., Kiaalhoseini, S., Abolhasani chimeh, M. (2018). Economic complexity and institutional factors: Comparison between developed, emerging and developing countries. *Journal of Econometric Modelling*, 3(3), 11-37. doi: 10.22075/JEM.2019.17030.1267 (in persian).
- Foa. R. (2014). Household Risk Preparation Indices-Construction and Diagnostics.

- Gohari, L., Salimifar, M., Aboutorabi, M A. (2016). The Effect of Financial Development on Human Capital in Iran. *The Economic Research*, 16 (3), 181-207. <https://ecor.modares.ac.ir/article-18-9360-en.html> (in persian).
- International Monetary Fund. (2019). Global Data, Available from: <https://www.imf.org/en/Data> [Accessed 5 December 2019].
- Jalili, A., Panahi, H., Sojoodi, S. (2020). Investigating the relation between womens health and economic growth in D8 countries: Konya panel causality approach. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 16(4), 129-162. doi: 10.22055/jqe.2019.27386.1955 (in persian).
- Jani, S. (2020). Analyzing different institutional levels effect on economic growth and their causality relation in the countries of South West Asia and OECD, *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 17(1), 1-33. doi: 10.22055/jqe.2019.25189.1835 (in persian).
- Joint Research Centre-European Commission, (2008). *Handbook on constructing composite indicators: methodology and user guide*. OECD publishing.
- Kardgar, E., and Ahrari, M. (2015). Analysis of the Institutional Aspects of Risk Management in the Insurance Industry based on Transaction Cost Economics Approach. *The Journal of Planning and Budgeting*, 20 (1), 193-212. <http://jpbud.ir/article-1-1196-fa.html> (in persian).
- Lucas, R. E. (1988). On the mechanics of economic development. *Journal of Monetary, Economics*, 22(1): 3 -42
- Mashhadi Ahmad, M. (2013). The Meaning and Concept of Institutions in Institutionalism A Look at Differences between Old and New Institutionalism and the Role of Institutions in Economic Activities. *Economics Research*, 13(48), 49-77. https://joer.atu.ac.ir/article_915.html?lang=en (in persian).
- Mousavi Jahromi, Y. (2009). *Economic development and planning*. (Sixth Edition): Payame-Noor University. (in persian)
- Nadiri, M., and Mohammadi, T. (2011). Estimating an Institutional Structure in Economic Growth Using GMM Dynamic Panel Data Method. *Economic Modeling*, 5(15), 1-24. https://eco.firuzkuh.iau.ir/article_555516_en.html?lang=fa, (in persian).
- North, D. C. (1990), *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. New York: Cambridge University Press.
- Ostrowska, M., and Mazur, S. (2015). Diversified Risk Management. *Procedia Economics and Finance*, (23): 615-621.
- Rampini, A. A., & Viswanathan, S. (2016). *Household risk management* (No. w22293). National Bureau of Economic Research.
- Rao, N., Singh, C., Solomon, D., Camfield, L., Sidiki, R., Angula, M., Poonacha, P., Sidibe, A., and Lawson, E. (2020). Managing risk, changing aspirations and household dynamics: Implications for wellbeing and adaptation in semi-arid Africa and India. *World Development*, 125, 104667.

- Rizvandi, M A., Sahabi, B., Momeni, F., Yavari, K. (2016). Exploring the Definition of Institution: Assessing Recent Alternative Approaches in Defining Institution. *The Journal of Planning and Budgeting*, 20 (4), 185-210. <http://jpbud.ir/article-1-1303-fa.html> (in persian).
- Samadi, A H., Abolhasan Beigi, K. (2013). Testing Wagner's Law in Selected OIC Member States Evidence from Panel Cointegration Tests. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 20 (64) :115-130. <http://qjerp.ir/article-1-525-en.html> (in persian).
- Samadi, M., and Rezaei, M. (2011). Survey the educational role of the family in the formal and public education system from the perspective of science and religion. *Scientific Journal of Islamic Education*, 19(12), 95-117. https://iej.ihu.ac.ir/article_200818.html (in Persian).
- Sarlak, A., and Hozhabr Kiani, K. (2015). The Effects of and Health Expenditure on Economic Growth in Iran's Provinces. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 4(13), 171-185. https://aes.basu.ac.ir/article_1041.html?lang=en (in persian).
- Seyed Shokri, KH., and Karkhaneh, A. (2012). Survey the effect of inflation on economic growth: selected case study countries member of islamic conference. *Journal of Financial Economics (Financial Economics and Development)*, (6)18, 139-150. http://ecj.iauctb.ac.ir/article_511612.html (in persian).
- Siddiqui, D. A., and Ahmed, Q. M. (2013). The effect of institution on economic growth: A global analysis based on GMM dynamic panel estimation. *Structural Change and Economic Dynamic*, 24, 18-33.
- Skalamera-Alilovic, D., Arbula Blecich, A., and Blazekovic K. (2017). Self-Employment: Personal Characteristics of the Self-Employment and Impact on Economic Growth. In *INTERDISCIPLINARY MANAGEMENT RESEARCH CONFERENCE XIII*.
- Taiebnia A., and Nikoonesbati, A. (2013). Institutions and Economic Growth. *The Journal of Planning and Budgeting*. 18 (1), 109-132. <http://jpbud.ir/article-1-849-en.html> (in persian).
- The Heritage Foundation. (2019). Explore the Data, Available from: <https://www.heritage.org/index/explore> [Accessed 13 December 2019].
- United Nations Development Programme. (2019). Human Development Reports (Data), Available from: <http://hdr.undp.org/en/data#> [Accessed 10 November 2019].
- Woods, M., Linsley, P. (2017). *The Routledge Companion to Accounting and Risk*. Taylor & Francis, London: Routledge.
- World Bank. (2019). World Bank Open Data, Available from: <https://data.worldbank.org> [Accessed 10 November 2019].